

ىتحققصلحپايدار

خودت را داشته باش و سرنوشت تکلیف سیاسی تو رامن بایدمعین کنم این که آزادی دینی نیست. آزادی دینـی اینسـت معنایش: تو مسلمان، تو پهودی، تو مس

پهودی، تو مسیحی، تو که هر دیک دیگری داری بیو خودت را داشته باش در عین حسال من و تو و ٔن ســومی در تعیین سرنوشت سیاســی جامعه با اوى داريم. اگر اين اتفاق افتاد آزادى هم حقوق مس ت اما اگر این اتفاق نیفتاد بگویند مدیریت جامعه دست من مسلمان، تو هم كليسايت را برو، تو هم كنيسهات را برو عباداتت را انجام بده، تو هم عقد و نكاحت را بر سبيل دينت انجام بده، اين آزادي

. این یک سوء تفاهمی است که ما به آن کم توجه می کنیم. نه این که تنها دیگران را مجبور به تغییر دین نکنیم بلکه بگوییم ما تو را همان طور که هستی با همان دیــن که داری به ر ســمیت میشناســ به عنوان یک انسان و تو هم مثل ما در سرنوشت اجتماعی و تعیین سرنوشت اجتماعی سهیم هستی. اصل ششم: گفت و گو، ضرورت گفت و گو.

گفتو گو به این منظور که مسئولیتهای اطراف گفتو گـو و شـر کت کنندگان در گفتو گـو معین بشودو بدانند که چه مسئولیتهایی دارند برای حل مشکلات بشـریت و چگونه آنها قابل برطرف شدن است. گفتو گو برای مشخص شدن مسئولیتها و برای پیدا کردن راه حل هایی به منظور رفع مشکلاتی که مبتلا به همه است چه داخل کشــورها و چه در . ىنەبىنالمللى اين گفْتوگو.

صحته بین امملی این نفت و نو. یک سوو تفاهم هم در این هست و آن این است که غالبا تصور می شود گفت و گو برای این است که گفت و گو بکنیم تا حقیقت را پیدا کنیم این انستباه است، این چنین نیست بهخصوص در صحنههای سیاسی در آنچه کسه در ار تباط با صلح پیدا می کند معنسای گفتو گو کاملا چیز دیگری پر است و هدف گفتو گو کاملاً چیز دیگری است. ما یک مشت انسان هستیم داریم با هم زندگی می کنیم در یک کشور یا در صحنه بینالمللی و انواع و اقسام مشکلات و مسائل و اختلافات را داریم و هیچگاه هم زندگی انسانی از مسائل و مشکلات

•اصل اول: صلح پایدار جهانی بدون عدالت و عدالت بدون صلح پایدار جهانی قابل

•اصل دوم: صلح پایدار جهانی در جهانی که نابرابریهای اجتماعی وفقر و گرسنگی در آن وجود دارد، محقق نمی شود. • اصل سوم: صلح پایدار جهانی بدون رد مطلق خشونت قابل تحقق نیست. مطلق

خشونت،نه خشونت مجاز وخشونت غیر مجاز! •اصل چهــار م: صلح پایدار جهانی بدون به رســ ت شناختن حرمت درونی و

ذاتی همه اعضای خانواده بیشی بردن و چود یک سیستیم حقوقی به عنوان تضمین کننده حقوقی شد تحقق بیدانمی کنند «اصل پنجم» تصلح بایدار جهانی به وجود نمی آیدهگر این که بنیادهای کثرت گرایی اجتماعی بورسیت شناختشود.

۰۰سی بیسی سعی پیدار جهامی، و جودهی بیدستر پیل به بینیاستی طرح در پی ۱۰مل ششم: گفت: و گو، ضرورت گفت و گو. ۱۰مل هفت م: هیچ صلح پایداری بــدون آمادگی برای حل مســـالمت آمیز نزاعها و

جلوگیری از نزاعهای آتی محقق نمی شود. واصل هشتی: صلح پایدار جهانی به وجودنمی آیدمگر این که تعلیم و تربیت براساس ارزشهای عالی انسانی و دینی شکارگرفته باشد نمبر اساس تقلیدوست. •اصل نهم: صلح باید دار جهانی تحقیق پیدانمی کندمگر این که زنسان در همه ساحتهای زندگی انسانی حقوق مساوی بامر دان داشته باشند.

ت و مدینــه آرمانِی و شــهر آرمانی هم قابل تحقق نیست. و دنبال آن دویدن هم دنبال سراب دویدن است تا زندگی انسانی هست همین سراب دویدن است تا زندگی انسانی هست نتیجه این است که همه ما سعی کنیم از طریق گفتوگو، از طریق تشخیص مسئولیتها از طریق ارایه راهحلها این مشکلات و مسائل دسته جمعی را حل کنیم. ئفتو گــو به ایــن نــه گفتو گــو بــراُی این که به

پس اصل ششم عبارت است از ترویج گفتو گو نه تحکم یک طرفه، نـه یک صدایی، نه تک صدایی، نه مونولـوگ تنها از یک موضع بالایی حرفزدن و

تلیف معین کردن و دستور معین کردن. اصل هفتم: هیسج صلح پایداری بسدون آمادگی اصل هفتم: هیچ مته پایداری بدون امادتی برای حـل مسـالمت آمیز نزاعهـا و جلوگیری از نزاعهای آتی محقق نمی شـود مقصوداز حل نزاع این است، کسانی که در کنار هم برای حل مشکلات مینشینند آمادگی این را داشته باشند که به صورت صلح آمیـز و به گونهای کـه نفع همه در آن باشـد، مشكل را حُل كنند، نه آن كه ببينند زور چه كسى

بیستر است. اصل هشتم: صلح پایدار جهانی به وجود نمی آید مگر این که تعلیم و تربیت براساس ارزشهای عالی انسانی و دینی شکل گرفته باشد. نه براساس تقلید بچەھايمان را چە جور تربيت مىكنىم، براى چى؟

با چه پیش بینی؟ باچه هدفی؟ در جامعههای ماها بهخصـوص فکر می کنیم که بچه ها فقط تربیت شان این است که ریشه سنت را در آنها محکم کنیم. ریشه اعتقادات را در آنها محکم کنیم، ریشمه تقلید از او توریته ها را در آنها محکم ــنت را تزریقُ کُنیُمٌ به آنها و آنها مثناسب با سنت و ارزشهای سنتی بار بیایند درست این گونه تربیت کردن یک بعدی، بنیان صلح را در هم می ریزد که اختلاف ها را بالا می برد. تربیت کودک برای آینده است. آینده به گونهای دیگر است. کودکان را باید تربیت کرد بــرای این که با اُینده بتوانند خودشــان را سازگار کنند در آینده مشــکلات و مسائلشان را حل كنند نه اين كه فقط از گذشته تبعيت كنند. در فلسفه تعليم و تربيت اين نكته بسيار مهمي است که ما با چه هدفی بچه ها را تربیت می کنیم. در آن جلسات تأکید شد که اگر قرار باشد انسان ها با صلح با هم زندگی کنند در یک جامعه یا در صحنه بینالمللی باید تربیت فرزندان به این منظور باشد که در آینده بتوانند خودشان روی پای خودشان مسائل

اصُلُ نهم: صلح بايدار جهاني تحقق بيدا نمي كند مگر این که زنان در همه ساحتهای زندگی انسانی حقوق مساوی با مردان داشته باشند. این تبعیضی که هست به طور کلی در عالم انسانیت میان زن و مرد، هنوز مردسالاری از بین نرفته است. مردسالاری

و مشکلات خودشان را حل کنند و با انسانهای

به شـکلهای مختلف بعضیها کمتر و بعضی جاها بیشتر هنوز در دینی حکمفرماست. این مردسالاری باعث نزاعها و کشمکشها حساسـیتهای این دو جنس نسبت به همدیگر است. در همه ساحتهای زندگی تعبیری که دقیقاً در آن جا به کار برده شداین ری. ری . حالاباید دید در هر دین و در هر آیینی چه فتواهایی، چه حکمهایی، چه امرهایی و چه نهی هایی این اصل را منهدم می کند و مانع تحقّق این اصل می شـود و آنها را باید از پیش پا برداشــت. حالا روش از پیش پا برداشتن آنها چیست. آن به لحاظ فقهی و حقوقی ر یا هر راه دیگری آن مساله دیگری است ولی باید اتفاق بیفتد در اینها. مردسالاری باید هر چه از آن

باقی مانده برود. اصل دهم: صلح پایدار جهانی به وجود نمی آید مگر این که به نحو مناسب و شایسته حقوق اقلیتها به رُسمیت شـناُخته شــود بهخصوص اقلیتهای ت در آن جلســات توضيح داده شــد که به خم

. گفته شود شـما هم حق حیات دارید. با ارزشهایی که دارید. با آداب و رسومی که دارید. توضیح داده شد این نیست معنای صحیح حفظ حقوق اقلیتها. حفظ حقوق اقلیتها اجازه دادن به تکامل فرهنگی اقلیتهاست. اجازه دادن به این که خودشان را تكامل ببخشند. شكوفاتر شوند. اگر به لحاظ سياسي ب.. کم اثر هستند هر یک جامعهای و میخواهند پر اثر باشند. میخواهند حزب، تشکیلات سیاسی درست . کنند تاثیر گذاری سیاسی بیشتری داشته باشند میدان داشته باشند.

۔ ت تکامل فرهنگی بتوانند بکنند. این است حفظ حقوق اقلیتهانه این که اختیارات همه دستها، شما هم حق حیات دارید نتیجهای که می توانم از عرایضم بگیرم این است که فکر می کنیم اگر ما توجه کنیم با بگیرم این است که فکر می کنیم اگر ما توجه کنیم با این نتیجه می رسسیم که توجه به این اصول دهگانه ، البته اینها اصول دهگانهای بود که آن جا پُس از گفت و گوهای زیاد و مشاورههای زیاد به این شکل فرموله شد چه بسا اصول دیگری را بشود به اینها اضافه کر دیا آنجا نظر بر این بود که هر کــدام از افرادی که آنجا شــرکت کرده بودند موظف بودند وقتــی بر گردند به کشوُر خودشُان در راه ترُویج و تُوسعُه و بیان این اُصول کوشــا باشــند. حال این که ما در جامعه ایران چقدر واقعااین اصول برایمان در صحنه زندگی اجتماعی و عمومی مورد توجه است و ما چگونه فکر می کنیم و مسئولان چگونه فکر می کنند و چه مقدار روی آنها توجه است دیگر قضاوت در این موارد را به خود شما ر . واگذارمی کنم.

نگاه۲

تلاش براي صلح جهاني رابايد ازخانوادهو آموزشوپرورششروع کرد

مصطفى محقق داماد



امانوئل کانت، فیلسوف قرن ۱۸ میلادی بدر صلح جهانی است. این لقب بسرای او به خاطر تألیف رساله کوچکی است که ۶ سال قبل از مرگش تألیف کــرده و در ایــران آن را بهعنوان صلح پایدار ترجمه کردهاند. در متن کتاب کانت آمده است که او سالها

پیــش درمهمانخانــهای در پیسی درجهای در هلند عکس گورستانی را که عبارت «سرزمین آرامش ابدی» دیده و همین الهام بخش او بوده است. به قول کانت باید دید این عبارت درباره عموم انسانها صادق است یا در مورد سران دولتها که اشتهای سری تونیخه که استهای سیری ناپذیری برای جنگ دارند یا در مورد فیلسـوفان که رویای آرامش ابدی دارند. برخی معتقدند نام آرامش یا

صلح پایدار برای کتاب حاکی از پاسی است که کانت به عنوان یک فیلسوف نسبت به برقراری آن داشته و می خواهد بگوید که آیا صلح پایدار فقط برای مردگان متصور است و انسانها تا زندهاندبه دنبال جنگ هستند. چرا با وجود این که بسسیاری از فیلسوفان، حکماً و حقوقدانان پیش از کانت در مورد صلح صحبت کردهاند؛ آثارهیچیک به قـدر کانت

مورد توجه قرار نگرفته است؟ شاید دلیل این . که هیچیک اقــدام به پیشبینی نظام و ساز و کاری برای ایجاد صلح و مراقبت از آن نکردهاند؛ درحالی که این حکیم در یک اقدام حقوقی، پیشنهاد تشکیل یک اتحادیه جهانسی را داد تا دولت ها را از جنگ باز دارد.

باید اشاره کنم که طرح جامعه ملل و ســازمانملل، جامعه مس و ســــر. س ابتكار كانت اســت. ما منكر من به عنوان یک طلبه کوچکایرانیازنماینده ۔ ـات ســازمانملل در کنترل بسیاری از جنگها سازمان ملل مي خواهم يبامما سرن بسیری ر بست نیستیم؛ اما آیا این سازمان توانسته تمام حملات و رابهدبير كلسازمان ملل متحد برساندکهدرمسیر تحقق صلحکوتاهینکنیدوبدانیدکه جُنگها را به اتمام رسانده[ٔ] يموتربيتمهم ترين عامل و آرامـش را به بشـر هدیه گسترش فکر صلح وصلح طلبی است دهد؟من به عنوان یک طلبه کوچک ایرانی از نماینده

متحد برساند که در مسیر تحقق صلح کوتاهی ر کی کرد نکنیدوبدانید که تعلیم و تربیت مهم ترین عامل گسترش فکر صلح و صلح طلبی است. صلح نسسرس کخر ضناح و ضناح علیی است. ضناح جهانی و این تشکیلات فقط با نیروی نظامی نمی تواند کار کنده بلکه باید در مسسیر اعتلای فرهنگ صلح، سنعی و کوشش کنیسم و این کار را باید از درون خانـواده و آموزش و پرورش آغاز کرد.

ایایدار در جهان





















